



رئای حسینی در اشعار عربی قرن سوم دکتر حمیدرضا مشایخی^۱

چکیده

ورود حماسه کربلا به حیطه شعر و ادبیات یکی از عوامل ماندگاری و پایداری آن به شمار می‌آید، زیرا قالب تأثیر گذار و نافذ شعر و مرثیه، میان دلها و عاطفه‌ها از یک سو و حادثه عاشورا از سوی دیگر پیوند زد و احساس غم، حسرت و خشم را در مخاطبان بر افروخت و باعث به وجود آمدن غنی‌ترین ذخائر فکری و احساسی شیعی در زمینه ادبیات گردید.

تاریخ سرایش رئای حسینی، صرف نظر از شواهدی که از وجود آن پیش از واقعه شورا حکایت دارد، از حادثه کربلا آغاز گشت و ادبیات عربی را غنی و پر بار نمود. انگیزه‌هایی چون اعتقاد دینی و نیل به پادشاه اخروی، جذابیت شخصیت امام حسین (ع)، حادثه غم‌انگیز کربلا و شدت تراژدی آن باعث شد تا شاعران شعرهایی بدیع و پر بار را در قالب رثا بسرایند. واژگان ساده و دلنشین و دارای بار عاطفی مناسب، وزنهای گوناگون، پیوند ناگسستنی آن با اصول شیعی به همراه عاطفه صادقانه، تصاویر هنری زیبا و متنوع و دارای قدرت القایی بالا و تخیلات شاعرانه از یک بعد و پرداختن به جنبه‌های تاریخی کربلا، بیان حقانیت اهل بیت (ع) و ستمهای وارده به آنها از بعد دیگر، زمینه ظهور یکی از سوزناک‌ترین مرثی‌های قرن سوم را فراهم آورد و صحنه‌هایی واقعی از آن را برای مورخان و مقتل‌نویسان به نمایش گذارد.

واژگان کلیدی: کربلا، شعر، اهل بیت، رثا، شیعه، شاعر، امام حسین

۱- استادیار دانشگاه مازندران. نشانی الکترونیکی: hamidreza.mashayekhi@yahoo.com

۱- مقدمه

ورود حماسه کربلا به حیطه شعر به ویژه رثا یکی از عوامل ماندگاری و پایایی نهضت عاشورا به شمار می آید، زیرا حضور پررنگ در قالب نافذ مراثی سروده شده و در سوگداشت شهدای کربلا از سویی پیوند دهنده میان عواطف و دل‌های سوخته و حقیقت طلب است و از سوی دیگر به نوبه خود باعث غنا و اعتلای اشعار و مراثی می باشد.

از این منظر، مرثیه‌های حسینی در قرن سوم هجری از غنی‌ترین و حماسی‌ترین ذخایر فکری و احساسی شیعی است و شهرت برخی از شاعران چون دعبل نیز مدیون همین ذخیره فکری و احساسی شیعی می باشد. آنان پرداختن به واقعه عاشورا را بر خود فرض می دانستند و چنین امری صرف نظر از محبت به حضرت سید الشهداء، ریشه در تأیید و تشویق و سفارش ائمه معصومین (ع) در به تصویر کشیدن و احیای همیشگی عاشورا داشت.

بنابر چنین تفکری، شاعران شیعی پس از حماسه کربلا به ویژه در قرن سوم به رثای آن حادثه روی آوردند تا جایی که قرن سوم را می توان منشأ بسیاری از مرثیه‌ها و اشعار حسینی دانست، زیرا شاعران زیادی در این قرن در دفاع از واقعه کربلا و نشر و گسترش فرهنگ عاشورایی به سرودن شعر به ویژه رثا مبادرت ورزیدند و با خلق مضامین نو و دلنشین آن حادثه بزرگ را به شکلی قابل قبول به تصویر کشیدند. کتابهای ادبی مربوط به این قرن مملو از اشعار این گونه شاعران می باشد و پیامد آن از سوی پژوهشگران ادبیات عربی، در سراسر جهان در خصوص رثای حسینی و ویژگیهای آن به طور کلی کتابها و مقالاتی به چاپ رسید و هریک به گوشه‌ای از آن توجه نمودند. در زمان معاصر نیز می توان به کتابهایی با عنوان امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی و شعر متعهد شیعی در عصر عباسی اشاره نمود که تنها به گوشه‌هایی از روند رثای حسینی به طوری کلی و نه مختص به قرن سوم اشاره نموده‌اند.

اما این مقاله در پی بررسی ویژگیهای رثای حسینی در قرم سوم است که مهم‌ترین مرحله شعری ادبیات عربی به شمار می آید تا از این رهگذر مشخص گردد خصوصیات آن چه بوده و اصولاً شاعران از چه مضامینی برای بیان واقعه عاشورا در شعر بهره گرفته و محتوا و مفاهیم اشعارشان چه بوده است؟ و چرا شاعران از موضوع رثا برای بیان آن یاری جسته‌اند؟

۲- رثا در لغت

رثا در لغت دارای معانی بسیار است در لسان العرب چنین آمده: «رثا فلانٌ فلاناً اذا بکاه بعد موته و رثوتُ المیت اذا بکیتُه و عَدَدْتُ محاسنَه» فلانی در باره فلانی رثا گفته است، یعنی پس از مرگ او بر وی گریست. بر مرده گریستم و محاسن او را بر شمردم (ابن منظور، ۱۹۸۸م: ج ۵، ص ۱۳۸). در صحاح نیز آمده: «رثیتُ عنهُ حدیثاً ارثی رثایة اذا ذکرته عنهُ» (جوهری، ۱۹۹۸م: ج ۲، ص ۱۷۱). مؤلف منجدالطلاب نیز چنین می گوید: «رثا المیت رثوا»: گریست بر مرده و او را ستایش کرد و برایش شعر گفت. (سیاح، ۱۳۷۵ش: ص ۴۴۳)

۱-۲: رثا در اصطلاح

رثا یکی از فنون شعر غنایی است که شاعر در آن از حزن و اندوه خویش در فقدان محبوبش سخن می‌گوید. این فن دارای گونه‌ها و گرایشهای مختلفی است که مطابق طبیعت و مزاج و جایگاه گوینده آن متفاوت می‌باشد، پس هر گاه گریه و زاری بر مرگ میت افزایش یابد و گوینده در شعر به بیان شوق و اندوه خود در مرگ میت پردازد، به آن ندبه گویند و هرگاه به بیان ویژگیهایی پسندیده که در شخص میت وجود داشت پردازد، به آن تأیین گویند و هرگاه در کلامش رنگ اندیشه و تأمل در حقیقت مرگ و زندگی غلبه یابد به آن عزا گویند. (ناصری، بی تا، ص ۵)

۲-۲: انواع رثا

رثا بر اساس فرد میت و نسبت او با شاعر و جایگاه و مرتبه او از نظر اجتماعی و سیاسی و جز آن به چند نوع تقسیم می‌شود. از مهم ترین انواع آن می‌توان به رثای شهدا، والدین، فرزندان، برادر، درباریان و خلفا، اشراف و بزرگان قوم، همسر، نفس (خود شاعر) شهرها، اسب، شتر، سگ که شاعر تعلق خاطری به آنها داشته است، اشاره کرد. از آنجایی که ذکر همه این نمونه‌ها از مجال این بحث خارج است تنها به یک نمونه آن اکتفا می‌کنیم.

۳-۲: رثای شهدا

این نوع رثا غالباً از عاطفه‌ای دینی برخوردار است و عقاید و باورهای بسیاری در آن به چشم می‌خورد. برای نمونه می‌توان به مرثیه منتسب به امام علی (ع) در رثای حضرت فاطمه (س) اشاره کرد. که ابن عبدربه در «العقد الفرید» نقل کرده است. امام (ع) آن را در هنگام دفن پیکر مطهر حضرت فاطمه (س) سروده‌اند و علاوه بر رثای شهیده اسلام، حاوی حکمتها و اندیشه‌های دینی می‌باشد:

لِكُلِّ إِجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ وَكُلِّ الْذِي دُونَ الْمَمَاتِ قَلِيلٌ
وَإِنْ اِفْتِقَادِي وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ دَلِيلٌ عَلَى أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلٌ

(ابن عبدربه، ۱۹۸۳: ج ۳، ص ۱۹۸)

اجتماع دوستان جدایی دارد و هر چیزی که در برابر مرگ قرار دارد اندک و بی مقدار است. از این که من یکی پس از دیگری آنها را از دست می‌دهم، دلیلی است بر این که دوستی پایدار و جاودانه نیست.

۴-۲: تبیین جایگاه رثا در ادبیات عربی

رثا یکی از قدیمی‌ترین موضوعات شعر به شمار می‌آید. شاید بتوان آن را از جمله اشعار نخستین انسان دانست و قدمتی برابر با قدمت لالاییهای عامیانه مادران نخستین بر آن قایل شد، زیرا یکی از زندگی سخن می‌گوید و دیگری از مرگ و سرنوشت محتوم انسان.

در زمینه رثا با مفهوم ادبی‌اش می‌توان گفت یونانیان از پیشگامان آن به شمار می‌آیند، چون «رثا جایگاهی بارز در شعر یونان قدیم داشت و شاعرانی چون ارخلو کوس و مانند او به این فن شهرت داشتند.» (ضیف، ۱۹۹۵م: ص ۱۰)

شاعران عرب نیز از این امر مستثنی نبودند چرا که اندیشه مرگ و زوال انسان امری اجتناب ناپذیر بود. به همین دلیل شاعران چه در دوره جاهلی و چه اسلامی همواره در اشعارشان به یاد مرگ نغمه سرایی می‌کردند و حکمت‌هایی زیبا درباره آن بیان می‌داشتند، چنان که زهیر از شاعران جاهلی چنین می‌گوید:

وَمَنْ هَابَ أَسْبَابَ الْمَنَائِيسَا يَنْلُنُهُ وَلَوْ يَرْقَى أَسْبَابَ السَّمَاءِ بِسُلْمٍ

(زهیر، ۲۰۰۵م: ص ۷۰)

هر کسی از مرگ بگریزد، مرگ او را درک خواهد کرد اگر چه با نردبانی به راه‌های آسمان صعود نماید.

با ظهور اسلام و به واسطه نشر احکام الهی و انگیزه‌های اعتقادی، فرمان برداری، مشارکت در جهاد و نیل به ثواب الهی بر مفاهیم رثا افزوده شد. و ارزشهای شعر رثا، صبغه الهی گرفت و پرداختن به ملاکهای ارزشی اسلام مورد توجه مرثیه سرایان واقع شد و تسلی و تعزیت شاعر، به تأمل در سرنوشت انسانها و معاد سوق یافت و بسیاری از رثاها به ذکر رثای کشته‌شدگان و شهدای جنگها اختصاص یافت که از جمله می‌توان به شعر حسان، شاعر پیامبر، اشاره کرد:

فَإِنْ تَذْكُرُوا قَتْلِيَّ وَحَمَزَةَ فِيهِمْ قَتِيلٌ ثَوَى لِلَّهِ وَهُوَ مُطِيعٌ
فَإِنَّ جَنَانَ الْخُلْدِ مَنَزَلُهُ بِهَا وَ أَمْرَالَّذِي يَقْضِي الْأُمُورَ سَرِيعٌ

(حسان، ۱۹۸۷م: ص ۱۱۳)

اگر کشتگان را که حمزه از جمله آنان است به یاد آورید، او کشته شده‌ای است که مطیعانه به خاطر خدا در خاک آرمیده است.

به راستی بهشت جاودان منزلگاه اوست و دستور خدایی که امور را اداره می‌کند، سریع می‌باشد. پس از صدر اسلام نیز روزبه‌روز بر تحول رثا چه در مفاهیم و چه ساختار و قالب افزوده شد تا جایی که پس از شهادت امام علی (ع) نوعی احتجاج و اعتراض نسبت به غاصبان حقوق ایشان به آن اضافه گردید و شاعران شیعی در عین شجاعت در دفاع از ولایت و امامت به احتجاج و استدلال نسبت به حق امام (ع) روی آوردند و شعرشان بازگو کننده حقانیت اهل بیت در خلافت پس از پیامبر اکرم (ص) شد.

در دوران حاکمیت امویان که شاعران دربار هم با سیاست بیداد و تعصبات قبیله‌ای آنها هم سو بودند، شاعران شیعه با الهام از تعالیم ائمه اطهار (ع) و بهره‌گیری از جایگاه شعر و ادب در جامعه برای دفاع از حقانیت تشیع، باب استدلال را به سوی ادبیات گشودند و به تبلیغ معارف اهل بیت (ع) و ارشاد مردم همت گماردند، که در این خصوص می‌توان به اشعار کثیر بن کثیر السهمی در رثا و مناقب امام علی (ع) و اهل بیت (ع) اشاره کرد:

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ يَسُبُّ عَلِيًّا وَحُسَيْنًا مِنْ سُوقَةٍ وَ إِمَامٍ
 طَبَّتْ بَيْتًا وَ طَابَ أَهْلُكَ أَهْلًا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ الْإِسْلَامِ
 (حوفی، بی تا: ص ۱۸۷)

خداوند لعنت کند کسان دون پایه ای را که علی و حسین و امام جانشین آنان را دشنام می دهد. تو (امام علی) از خاندان پاکی هستی و اهل بیت تو که از خاندان پیامبر هستند و وابسته به اسلام، پاک و مطهر می باشند.

در این دوره، رثای شیعی بارزترین نوع شعر به شمار می آید، چون از عشق به اهل بیت و عاطفه حزن و غضب شاعر سرچشمه می گیرد و در پرتو ماتم سرایی بر شهیدان و بیان اوضاع سیاسی - اجتماعی و تصویر وقایع، به دفاع از اهل بیت (ع) برخاسته و تشویق مردم به انتقام از غاصبان را در نظر داشته است. در دوران عباسیان نیز علی رغم برخی تفاوتها در نوع و محتوا، همان رویکرد شعری که در دوره اموی در رابطه با شعر رثا وجود داشت، ادامه یافت. در این دوران علاوه بر گونه‌های سنتی رثا همچون رثای فرزند، برادر و دوستان، گونه‌های رثای خلفاء و درباریان و در نقطه مقابل آن رثای اهل بیت (ع) به طور چشمگیری گسترش یافت، به طوری که زیباترین نمونه‌های رثای شعر عرب در این دوره مشاهده می شود. در این میان می توان به متنی اشاره کرد که سرآمد مدیحه گوئی و مرثیه سرایی در این عصر می باشد.

۳- جایگاه رثای حسینی در ادبیات عربی

اگر میزان شعر را آن گونه که معاصران می گویند، تأثیر گذاری بر مخاطب و برانگیختن عواطف بدانیم، شعر حسینی در اوج اقتدار ایستاده و در حقیقت این ادبیات شیعه است که ادبیات عرب را غنی و پربار کرده و دلیل آن نیز موقعیت شیعه است که به صورت طبیعی موجب شعله ور کردن عاطفه خشم و حزن و تحرک آن می گردید و این خود بهترین پشتوانه ادب محسوب می شود. (امین، ۱۹۳۴م: ج ۳، ص ۳۰۰-۳۰۱)

بنابراین جایگاه شعر عاشورا در ادبیات عربی به ویژه شعر شیعی چون ننگینی درخشان در حلقه ادبیات دینی است و ورود حماسه کربلا به حیطه شعر و ادب یکی از عوامل ماندگاری و پایداری آن نهضت به شمار می آید، زیرا قالب تأثیر گذار و نافذ شعر و مرثیه، میان دلها و عاطفه‌ها از یک سو و حادثه عاشورا از سوی دیگر پیوند زد و احساس غم، حسرت، خشم و مسئولیت را در وجود شنوندگان این نوع مراثی بر افروخت، به عبارت دیگر ادبیات عاشورایی به عنوان غنی ترین ذخیره‌های فکری و احساسی بر زبان شعر تأثیر نهاد و شعر رثا و سوگ سروده‌های مذهبی را غنا و اعتلایی ویژه بخشید تا جایی که برخی از شاعران نیز ماندگاری نام خویش را مدیون پرداختن به توصیف قیام کربلا بودند، که از میان آنان می توان به دعبل، شریف رضی، مهیار دیلمی و فرزندق اشاره کرد.

۳-۱: نخستین نمونه های شعر رثای حسینی

تاریخ آغاز سرودن شعر عاشورایی تقریباً روشن است و می توان شروع جریان محرم و واقعه عاشورا را

تاریخ رسمی شروع مرثیه حسینی نامید، اما کتابهای تاریخی و دینی بعضی از شواهد را ذکر می کنند که حاکی از وجود مرثیه هایی پیش از شهادت امام حسین (ع) و یارانش دارد. در منابع عامه و خاصه آمده است که جریان شهادت امام (ع) در حدود بیست مورد برای پیامبر (ص) خوانده شد و آن حضرت پس از شنیدن آن، سوگواری نمودند. (فیروزآبادی، ۱۹۹۹م: ج ۳، ص ۲۷۲) از امام باقر (ع) نیز نقل شده است که هر گاه امام حسین (ع) نزد پیامبر (ص) می آمد، آن حضرت او را به خود می چسباند و به امیر مؤمنان می فرمود «او را نگهدار» علی (ع) حسینش را نگه می داشت و پیامبر او را می بوسید و می گریست. (شوشتری، ۱۹۹۴م: ص ۲۴۹)

در روایتی نیز آمده که نخستین کسی که در رثای امام حسین (ع)، قاتل وی را لعنت کرد، ابراهیم (ع)، خلیل رحمان، بود. پس از پیامبر (ص) نیز امیر مؤمنان و فاطمه (ع) و امام حسن (ع) و اهل بیت برای امام حسین (ع) و مصایبش اشک ریختند و عزاداری کردند. هم چنین در روزهای قبل از شهادتش در واقعه عاشورا، رثاهایی در رابطه با ایشان شنیده شد، در مسیر هجرت امام (ع) از مکه به کوفه در بین راه و در منزل خزیمه، امام ندایی شنید که می گفت:

أَلَا يَا عَيْنَ فَاحْقُفْلِي بِجَهْدٍ
وَمَنْ يَبْكِي عَلَي الشُّهَدَاءِ بَعْدِي

(شبر، ۱۹۸۰م: ج ۱، ص ۳۵)

هان ای چشم، بسیار اشک ببار، چه کسی پس از من بر شهیدان اشک می ریزد؟
هم چنین اشعاری که به ام لقمان، دختر عقیل بن ابی طالب، نسبت داده شد، نیز از نخستین مرثیه ها قلمداد می گردد و با حادثه کربلا ارتباطی تنگاتنگ دارد:

مَاذَا تَقُولُونَ إِذْ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ
مَاذَا فَعَلْتُمْ وَأَنْتُمْ آخِرُ الْأُمَّمِ

بِعْتَرَتِي وَبِأَهْلِي بَعْدَ مُفْتَقِدِي
مِنْهُمْ أُسَارَى وَمِنْهُمْ ضُرِّجُوا بَدَمِ

(طبری، ۱۳۷۵ش: ج ۶، ص ۲۲۱)

وقتی پیامبر به شما بگوید: شما که آخرین امتهاستید چگونه با عترتم رفتار کردید، به او چه خواهید گفت.

سوگند به عترت و اهل بیتم پس از مرگ من برخی از آنان، اسیر می شوند و برخی دیگر به خون آغشته خواهند شد.

از دیگر نمونه های رثای حسینی می توان به اشعار عقبه بن عمرو السهمی اشاره کرد. وی نخستین شاعر غیر اهل بیت است که در رثای عاشوراییان شعر سرود و در اواخر قرن اول به کربلا رفت و نزدیک قبر آن حضرت ایستاد و گفت:

مَرَرْتُ عَلَي قَبْرِ الْحُسَيْنِ بِكَرْبَلَاءَ
فَقَاضَ عَلَيْهِ مِنْ دُمُوعِي غَزِيرُهَا

(امین، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۴۶)

من در کربلا بر قبر امام حسین (ع) گذر کردم و اشکهای لبریز من بر آن جاری گشت.

سید حسن صدر نیز از او به عنوان نخستین شاعری نام می برد که در رئای امام حسین (ع) شعر سروده است. (صدر ۱۳۵۴ش: ص ۲۰۴) علاوه بر او می توان از عبیدالله بن حر جعفی (۶۸ق) و ابوالأسود الدؤلی (۶۹ق)، سلیمان بن قتة (۱۲۶ق) و ابوالرمیح (۱۰۰ق) نام برد. (امین، همان: ج ۷ ص ۳۰۸)

بنابراین، ویژگیهای شعر رئای حسینی دوران پیش از قرن سوم را می توان چنین بیان کرد که گریه و زاری در اشعار آن دوران به دلیل قرب زمانی با واقعه کربلا، محسوس و دردناک تر است و شاعران بی باک و عاشق، به وضوح و صادقانه از ضمیر دردمند خویش پرده بر می دارند، علاوه بر آن در سالهای آغازین واقعه کربلا، شاعران نادم، اشعار جانسوزی را درباره افسوس و پشیمانی خویش به جا نهاده و با وجود برخورد دربار اموی و عباسی، آنان با یادآوری مصیبتی که بر خاندان پیامبر وارد گردید به هجو درباریان پرداخته و پرده از رسوایی ایشان برداشته اند.

۲-۳: شعر رئای حسینی در قرن سوم

۱-۲-۳: انگیزه ها

در این قرن شاعران بنابر انگیزه های گوناگون در سوگ امامان و اهل بیت (ع) به سرودن مرثیه پرداختند. گروهی به نیت ثواب و نیل به پاداش اخروی و با توجه به ترغیب ائمه (ع) و تشویق آنان در دوره های پیشین و هم چنین احادیث و روایات، مبنی بر ثواب اخروی برای مرثیه سرایی در سوگ شهدای اهل بیت (ع)، به رئای امام حسین (ع) و شهیدان کربلا روی آوردند.

برخی دیگر به دلیل تعلقات اعتقادی و وابستگیهای مذهبی نه نیل به ثواب در این میدان گام برداشتند که باید به بسیار از اشعار شاعران شیعی و ملحمه سرایان حسینی از این منظر نگریست.

گروهی از شاعران با مسلکها و مذاهب مختلف، مجذوب حماسه حسینی گشتند و در اقتدای به راه و رسم او زبان به شعر گشوده اند که از میان آنان می توان به ابن معتز عباسی اشاره کرد که خود یکی از خلفای عباسی بود و گرایش و تمایلی به علویان نداشت.

حب و عشق به اهل بیت (ع) نیز از دیگر انگیزه های شاعران شیعه می باشد که اشعارشان را در رئای امام حسین (ع) به عنوان یکی از خواص اهل بیت و محبوب پیامبر (ص) سروده اند.

عمق فاجعه و شدت تراژدی عاشورا نیز از عواملی است که بسیاری از ادیبان، از هر مسلک و مرام را تحت تأثیر قرار داد و باعث شد تا بزرگی مصیبت را در قالب شعر به نظم در آورند.

کسانی که درباره امام (ع) شعر گفته اند، همه سروده هاشان اختصاص به امام (ع) ندارد، بلکه مرثیه برخی مختص به ایشان و پیام عاشورا است و در ضمن آن به موضوعاتی دیگر وارد نگشته و یا بسیار اندک به آن پرداخته اند که از آن جمله می توان به دعبل خزاعی اشاره نمود. عده ای قصیده یا قصائدی را در باره حضرت سروده اما در موضوعات دیگر نیز آفرینش شعری داشته اند. از این دست شاعران می توان از دیک الجن حمصی نام برد. گروهی نیز به صورت رمز و اشاره از امام و قیام او یاد کرده و قصیده ای کامل را به آن اختصاص نداده اند. شاید بتوان علت این امر را عواملی چون اختناق حاکم، عدم وجود مرکزیت واحد مکانی برای شاعران شیعی و نبود ترغیب و تشویق شاعران شیعی به شکل فراگیر در مقابل تهدیدها و

تکفیرهای دشمنان دانست، تا آنجا که بسیاری از کتابها و اشعار حسینی به دلیل اختناق و دیگر عوامل یاد شده در دل خروارها خاک دفن گردید و از میان رفت.

۴- ویژگیهای ساختاری شعر رثای حسینی ۴-۱: زبان

شعر، هنری است که وظیفه اصلی آن در حیطه ساختار به جز سیر در خیال و تصور و وزن، فتح قله‌های بالاتر و کشف امکانات زبان و شیوه‌هایی تازه از بیان است که هیجان و روحی تازه را در کلام ایجاد کند و عاطفه و خیال و اندیشه را با ابزاری مناسب به ذهن شنونده منتقل سازد، این ابزار چیزی جز مجموعه‌ای از واژگان و روابط خاص میان آنها نیست. از این منظر، زبان مرثی در این قرن از سادگی، روانی و صمیمیتی دلنشین و شاعرانه برخوردار است. زبانی که به هیچ روی برای مخاطب ملال‌آور نیست و ارتباط میان شعر و مخاطب به بهترین وجه صورت می‌گیرد و خواننده با همان خوانش اولیه، موضوع را درک می‌کند و پی به هدف شاعر می‌برد، بدون آن که در این زبان ساده از جنبه‌های هنری رثاهای این دوره کاسته شده باشد، مثل این اشعار:

أَبْكِيكُمْ يَا بَنِي التَّقْوَى وَأَعُولُكُمْ وَأَشْرَبُ الصَّبْرَ وَهُوَ الصَّابُ وَالصَّبْرُ
عَفَّتْ مَحَلَّكُمْ الْأَنْوَاءُ وَالْمَطْرُ
فِي كُلِّ يَوْمٍ لِقَلْبِي مِنْ تَذَكُّرِهِمْ
تَغْرِبَةً وَلِدَمْعِي مِنْهُمْ سَفْرُ
(حمصی، ۲۰۰۴: ص ۳۷)

ای فرزندان تقوا و پرهیزگاری، من بر شما اشک می‌ریزم و شیون و زاری می‌کنم و جام صبر را که تلخ و سخت است می‌نوشم.
ای فرزندان دختر پیامبر من بر شما اشک می‌ریزم در حالی که باران و قطرات تند آن جایگاه شما را نابود و محو نساخت. هر روز در دلم به خاطر یاد شما از شدت غم و اندوه، بی‌قراری وجود دارد و اشکهایم جاری می‌باشد.

در این رثا، شاعر ضمن استفاده از واژگان و ترکیبهای واژگانی ساده، حداکثر بار عاطفی ناشی از حزن درونی خویش را در سوگ امام حسین (ع) و یارانش به خواننده منتقل می‌کند. زیرا واژگانی مانند (الصبر، الصاب، الانواء، المطر، الدمع و...) همگی در فضای کلی رثا به بهترین شکل، کارکرد خود را که همان القای حس اندوه و بی‌قراری و صبر برشهادت اهل بیت امام حسین (ع) می‌باشند، ایفا می‌کنند. در رثایی دیگر از قاسم بن یوسف الکاتب (۲۱۳ ق) نیز با چنین ویژگی روبه‌رو می‌شویم:

سَلَّمَ عَلَيَّ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَقُلْ لَهُ
وَسَقَاكَ صُوبُ الْغَادِيَاتِ وَلَا
صَلَّى إِلَهُهُ عَلَيْكَ مِنْ قَبْرِ
لِلرَّامِسَاتِ وَوَكَفِ الْقَطْرِ
(شبر، همان: ج ۱، ص ۳۳۲)

بر قبر امام حسین (ع) سلام بفرست و به او بگو: درود و صلوات خدا بر قبر تو باد. و باران صبحگاهی تو را سیراب سازد و بادهای شامگاهی پیوسته بر تو بوزد. تو به خاطر ابرهای تند و بارانهای شدید (یعنی دشمنان) از دیار و میهن خود دور مانده‌ای. در این اشعار شاعر ضمن بهره‌برداری از واژگانی ساده و ترکیبها و تصاویر پرکاربرد در شعر عربی مثل (سقاک صوب الغادیات...) به ارزش هنری توجه کامل دارد و طرز چینش این واژگان و ترکیبها را طوری انتخاب می‌کند که در همراهی کامل با فضای کلی شعر برای بیان اندوه باشد. شاعران حسینی با آگاهی از ذوق و قریحه و سلیقه مخاطبانشان، تمام سعی خود را به کار گرفته‌اند تا مضمون و اهداف رثاها را به دلنشین‌ترین شکل ممکن نشان دهند. اما نکته‌ای که کمی تأمل و درنگ را برمی‌انگیزد، یک لایه بودن زبان شعر در رثاها است، به عبارت دیگر این گونه اشعار در سطح حرکت می‌کنند یعنی علی‌رغم داشتن تلمیحات و تضمینها و گاه استعارات بعید در درون خود، مضمون و پیامی را پنهان نکرده‌اند که برای کشف آن نیاز به دادن کلید به خواننده باشد. از آن جا که مخاطب آن اغلب عامه مردم هستند از ویژگیهای رئای حسینی جوششی بودن و نه کوششی بودن آن است که نشان می‌دهد، مخاطب پذیر بودن به عنوان یکی از عوامل اصلی زبان، در این اشعار مورد توجه قرار گرفته است.

۴-۲: وزن

شعر رئای حسینی در قرن سوم در وزنی مشخص و محدود سروده نشده است، یعنی شاعران در این دوره، انواع وزن ها و بحرها را برای بیان مرثی خود آزمودند، اما با نگاهی به سروده های این دوره می‌توان به این نتیجه رسید که بحرهای شعری (کامل، وافر و طویل) از پرکارترین بحرهای شعری هستند که شاعران آنها را در اشعار خویش به کار گرفته‌اند، مثل:

حَسِبَ الَّذِي قَتَلَ الْحُسَيْنِي نَ مِنَ الْخَسَارَةِ وَ النَّدَامَةَ
 إِنَّ الشَّفِيعَ لَدَى الْإِل هِ خَصِيمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

(طریحی: بی‌تا ص ۱۱۱)

برای قاتلان امام حسین (ع) همین خسارت و پشیمانی بس که رسول خدا نزد پروردگار در روز قیامت خصم و دشمن آنهاست.

که در بحر کامل (متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن) به نظم درآمده است. یا مثل شعر:

أَرَادُوا لِيُخْفُوا قَبْرَهُ عَنْ وَلِيِّهِ وَ طِيبُ تُرَابِ الْقَبْرِ دَلَّ عَلَى الْقَبْرِ

(شبر: همان)

آنها خواستند قبر امام حسین (ع) را از دستدارش پنهان کنند اما بوی خوش خاک قبر خود نشان دهندۀ قبر است.

در بحر طویل (فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن)
یا مانند شعر:

فَأَيُّ رَزِيَّةٍ عَدَلْتُ حُسَيْنًا غَدَاةً سَطَطْتُ بِهِ كَفَا سِنَانِ

(کرباسی، ۱۹۹۶م: ص ۱۶۰)

کدام مصیبت است که با مصیبت امام حسین (ع) برابری کند، در روزی که دستهای سنان بن انس نخعی به او حمله کرد.

در بحر وافر (مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن)
مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن

۵- ویژگیهای محتوایی شعر رثای حسینی ۱-۵: عاطفه

عاطفه در رثای حسینی به عنوان رکن اصلی شمرده می‌شود و احساسات آکنده از شعور و شعار در آن حرف اول را می‌زند و مجالی برای در بر گرفتن مفاهیم ارزشی و سیاسی شاعران می‌باشد و در حقیقت نقش ادعا نامه شیعه علیه همه دستگاه‌های ستمگر را بازی می‌کند. رثای حسینی با وجود عاطفی محور بودنش، خشمی علیه حاکمان غاصب و احیاگر مفاهیم زنده و زندگی ساز و نشر ارزشهای ماندگار است که زیر بنای جهاد و جانبازی در راه عقیده به شمار می‌آید. بنابراین می‌توان جلوه‌های عاطفه در رثای حسینی را چنین بیان کرد:

۵-۱: آمیختگی عواطف با اصول و مبانی اعتقادی شیعه

شاعر شیعی عواطف خویش را در پیوند ناگسستنی با اصول و مبانی شیعی رقم زده و از راه شعر به بیان آن اصول پرداخته است، مثل رثای عبیدالله خزاعی (۳۰۰ق):

تَعَزَّ فَكَمْ لَكَ مِنْ أَسْوَةٍ تُسَكِّنُ عَنْكَ غَلِيلَ الْحَزَنِ
بِمُوتِ النَّبِيِّ وَ حَذْلِ الْوَصِيِّ وَ ذَبْحِ الْحُسَيْنِ وَ سُمِّ الْحَسَنِ
وَ جَرِّ الْوَصِيِّ وَ غَضَبِ الثَّرَاثِ وَ أَخْذِ الْحُقُوقِ وَ كَشْفِ الْإِحْنِ
وَ هَدْمِ الْمَنَارِ وَ بَيْتِ الْإِلَهِ وَ حَرَقِ الْكِتَابِ وَ تَرْكِ السُّنَنِ

(مسعودی، بی تا: ج ۲، ص ۴۲۸)

آرام باش، چون تو در مصیبت الگویی داری که سوزش حزن و اندوه را از تو می‌کاهد.
با مصیبت رحلت پیامبر و خوار نمودن جانشین او و کشته شدن امام حسین (ع) و مسموم کردن امام حسن (ع) و به زنجیر کشیدن جانشین پیامبر و غصب کردن میراث او و گرفتن حق آنان و بر ملا کردن کینه

شان نسبت به پیامبر و منهدم کردن مسجد و خانه خدا و سوزاندن قرآن کریم و کنار نهادن سنت پیامبر. در این اشعار، شاعر با تعبیری عاطفی در سوگ کشته شدگان طف، به بیان اصول، مبانی و اعتقادات ارزشی شیعه در باره خلافت می پردازد.

۵-۱-۲: صداقت عواطف در بیان مراثی

شاعران شیعه ناخود آگاه عاشق مکتب خود و وامدار آن هستند و عاطفه شان از محبت اولیای شیعه سرشار و با پوست و خون آنان عجین می باشد و مانند دیگر شاعران جهت دریافت صله و پاداش به ابراز احساسات غیر صادقانه خود نمی پردازند. ایشان به عواطف خود این مجال را می دهند که به تمامی امکان بروز و ظهور یابد و هرگز سعی در کتمان آن نمی کنند. این بیان صادقانه عواطف و احساسات که از عظمت رویداد کربلا و وقوع حوادث خونین و سرشار از خشونت و عداوت آن و مصایب جانگداز خاندان پیامبر سرچشمه گرفته، افزون بر شعر شاعران شیعی به سروده های دیگر شاعران نیز راه یافته است، برای نمونه می توان به صداقت عاطفه در رثای عبدالله بن معتمر عباسی که خود از خلفای عباسی بوده و به عداوت با علویان مشهور است، اشاره نمود که در برابر عظمت امام حسین (ع) و بزرگی فاجعه کربلا سر تعظیم فرود می آورد و با صداقت کامل و بدون مصلحت اندیشی، شعر می سراید:

فِيَا مَنْ عِنْدَهُ الْقَبْرُ وَ طِينُ الْقَبْرِ قُرْبَانُ
بِأَسْيَافٍ لَكُمْ أَوْدِي حُسَيْنٌ وَ هُوَ ظَمَّانُ
وَ دَأْبُ الْعَلَوِيِّينَ لَهُمْ حِجْرٌ وَ كُفْرَانُ

(ابن المعتمر، بی تا: ص ۷۱)

ای کسی که قبر در برابر او قرار دارد و خاک قبر قربانگاه (و راه دستیابی به قرب الهی) است. با شمشیرهای شما، حسین (ع) تشنه لب کشته شده است. عادت علوی ها این است که آنان را (عباسیان)، کافر و دروغگو می دانند.

۵-۱-۳: بیان عاطفی مراثی به سبک شاعران جاهلی

برخی از شاعران در رثای حسینی مانند شاعران قدیم و به سبک جاهلی بر خرابه های اهل بیت (ع) ایستاده و به رثای محبوب سفر کرده پرداخته و اندوه خویش را از مواجهه با خانه و جایگاه خالی عزیزان از دست رفته، چنان که این شیوه در قصاید جاهلی مرسوم بوده است، بیان داشته اند. نمونه بارز آن را می توان در تائیه دعبل خزاعی (۲۴۶ق) مشاهده کرد:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تَلَاوَةٍ وَ مَنْزِلٌ وَحْيٍ مُقْفِرُ الْعَرَصَاتِ
لِآلِ رَسُولِ اللَّهِ بِالْخَيْفِ مِنْ مَنِي وَ بِالرُّكْنِ وَ التَّعْرِيفِ وَ الْجَمْرَاتِ
دِيَارُ عَلِيٍّ وَ الْحُسَيْنِ وَ جَعْفَرٍ وَ حَمْزَةَ وَ السَّجَّادِ ذِي التَّنْفَاتِ

(دعبل، ۱۹۸۹م: ص ۱۲۴)

محل‌های آیات از تلاوت خالی گشت و منزلگاه وحی خالی از سکنه گردید.
 خاندان رسول خدا (ص) در منا و رکن و عرفات و جمرات منزلگاه‌هایی داشتند
 سرزمین علی، امام حسین (ع)، جعفر، حمزه و سجادی که در اثر سجده، پیشانی پینه بسته داشت، محل
 تلاوت آیات بود.

چنان که می‌بینیم، دعبل چون شاعر جاهلی قصیده‌اش را با گریه بر خرابه و ویرانه‌ها و منازل خالی
 اهل بیت آغاز می‌کند. این سبک که در دوره جاهلی سابقه داشته و برای زمینه‌سازی جهت همراهی
 مخاطب با فضای غم و اندوه به کار گرفته می‌شد، در شعر حسینی نیز نقشی مهم در ایجاد فضای عاطفی و
 غم و اندوه شاعر از هجران اهل بیت برعهده می‌گیرد.

۴-۱-۵: غلبه فضای حزن بر عواطف و شکایت از روزگار به خاطر مصایب وارده بر اهل بیت (ع)
 در این حالت شاعر از حزن و اندوه ژرف رنج می‌برد و از شدت آن، روزگار را نیز در سنگینی گناه
 مردمانش در قتل فرزندان رسول خدا (ص) شریک می‌داند و آن را به خاطر حوادث و مصایبی که بر
 فرزندان علی بن ابی طالب (ع) وارد کرده است به باد انتقاد می‌گیرد، مثل:

فِيهَا أَسْفَى عَلَى هَفَوَاتِ دَهْرٍ تَقْتُلُ فِيهِ أَوْلَادَ الزَّكِيِّ
 أَلَمْ يَحْزُنْكَ أَنَّ بَنِي زِيَادٍ أَصَابُوا بِالتَّرَاتِ بَنِي النَّبِيِّ

(خوارزمی، ۱۹۴۸م: ج ۲ ص ۱۳۳)

تأسف می‌خورم بر لغزشهای روزگاری که در آن فرزندان پیامبر کشته می‌شوند.
 آیا انتقام فرزندان زیاد از فرزندان پیامبر، تو را محزون و اندوهگین نساخت؟
 شاعر حسینی ضمن رثای امام حسین (ع) و یارانش اعلام می‌دارد که این واقعه در میان حوادث
 روزگار نظیر نداشته و این ستمی که زمانه بر آنها روا داشته در هیچ دوره‌ای و بر هیچ کس دیگر روا
 نداشته است و با این بیان اوج مظلومیت آن بزرگواران را به تصویر می‌کشد:

كَيْفَ الْفَرَارُ؟ وَفِي السَّبَابِ زَيْنَبُ تَدْعُو بِفَرْطِ حَرَارَةِ يَا أَحْمَدُ
 هَذَا حَسِينٌ بِالسُّيُوفِ مُبْضَعٌ مُتَطَلِّحٌ بِدِمَائِهِ مُسْتَشْهِدٌ

(شیر، همان: ج ۱، ص ۳۰۷)

چگونه آرام و قرار بگیریم در حالی که زینب (ع) از روی حرارت غم و اندوه فریاد یا احمد
 برمی‌آورد؟

این حسین (ع) است که بدنش قطعه قطعه و به خون آغشته شده و به شهادت رسیده است.
 شاعران در این دوره با وجود تبلیغات آتشین بر ضد اهل بیت (ع) و نیز تلاش دستگاه عباسی برای به
 انزوا کشاندن و وارونه جلوه دادن اهل بیت (ع) و یارانشان، با شهادت تمام اهل بیت (ع) را بهترین خلائق
 و اولاد آنها را بهترین فرزندان، می‌دانستند.

۲-۵: اندیشه

اندیشه و جهان بینی شاعران در رئاهای این دوره، خاص و با گرایش شیعی است، اگر چه برخی از این شاعران چون ابن معتز عباسی شیعه نبودند، اما خاندان پیامبر (ص) در مرکز توجه قرار دارند و جز آنها و راهشان، کسان و چیزهای دیگر کم تر به چشم می آیند. شاعران حسینی خود را متعهد به اندیشه‌های حاکم بر شعر می دانند و در آن التزام شیعی خویش را ابراز می دارند.

إِذَا ذَكَرُوا عَلِيًّا أَوْ بَنِيهِ تَشَاغَلُوا بِالرُّوَايَاتِ الدَّيْنِيَّةِ
وَقَالَ تَجَاوَزُوا يَا قَوْمُ عَنْهُ فَهَذَا مِنْ حَدِيثِ الرَّافِضِيَّةِ
بَرِيْتُ إِلَى الْمُهَيِّمِينَ مِنْ أَنْاسِ يَرُونَ الرَّفْضَ حُبَّ الْفَاطِمِيَّةِ

(همان:ص ۲۹۱)

هرگاه در مجلسی از او و فرزندانش یاد کنند برخی از آنان به روایات بی ارزش روی می آورند. می گویند ای قوم، از او (علی) صرف نظر نمایید زیرا این سخن را فضیها است. من از مردمانی که عشق به فاطمه را، رافضی می دانند به خداوند قهار پناه می آورم.

۳-۵: تخیل

بدون شک تخیل از عناصر اصلی شعر به شمار می آید و نقش آن چون نقش تجربه در علم می باشد، زیرا شاعر از آن برای درک و بیان جهان واقع به طور هنرمندانه یاری می جوید. از این روی تخیل در رئای حسینی ژرف و عمیق است و در راه بیان مقصود ذهنی شاعر، مرزهای معمول را می شکند تا بتواند با مخاطب ارتباط دو سویه برقرار نماید:

لَا أَضْحَكَ اللَّهُ سِنَّ الدَّهْرِ إِنْ ضَحَكَتْ وَ آلَ أَحْمَدَ مَظْلُومُونَ قَدْ قُهِرُوا

(دعبل، همان:ص ۱۸۶)

خداوند دندانهای روزگار را اگر بخندد به گریه تبدیل نماید در حالی خاندان پیامبر (ص) مظلوم واقع شدند و مورد خشم قرار گرفتند. چنان که آشکار است شاعر با بهره گیری از تخیل، روزگار را به انسانی تشبیه کرده که دندانهایش به هنگام خندیدن می درخشد. به همین دلیل فضای هنرمندانهٔ مراثی و سوگنامه‌ها، کشتی بی پایان ایجاد می کند تا مخاطب را برای پذیرش اندیشه‌های نهفته در تار و پود شعر آماده نماید.

۴-۵: تصویر

تصویر در شعر، بیانی است که به صورت ذهنی حاصل از دریافتهای حسی شاعر، زندگی می بخشد، به عبارت دیگر باعث می شود تا خواننده احساس کند که چیزی را به گونه‌ای متمایز می بیند، لمس می کند،

می‌بوید یا می‌شنود. (رابین، ۱۳۷۵ش:ص ۱۵۵)، یعنی شاعر دریافت خاصی دارد که باعث می‌شود به واسطه آن اشیایی را که همه روزه می‌بینیم به گونه‌ای دیگر القا نماید تا آن را به نوعی دیگر ببینیم. از این منظر نیز رثای حسینی در جایگاهی بلند قرار دارد و شاعر تلاش کرده تا از این ظرفیت هنری به بهترین نحوه بهره‌برد، بنابراین تصاویر رثای حسینی با این ویژگیها قابل مشاهده می‌باشند:

۴-۵- جزئی‌نگری در تصویرسازی شاعرانه از مهم‌ترین ویژگیهای تصویر رثای این دوره است به طوری که شاعر با ژرف‌نگری خاص از کوچک‌ترین حوادث و اتفاقات و فضاها برای ایجاد تصاویر ناب شاعرانه استفاده کرده است.

۴-۵- تصاویر هنری و شعری موجود در رثاهای حسینی همواره با بار عاطفی عمیقی همراه می‌باشد به گونه‌ای که در بسیاری از موارد این دو به عنوان مکمل هم عمل می‌کنند و فضای ارتباطی حسی و عاطفی خاصی را برای مخاطب به وجود می‌آورند.

۴-۵- تصاویر شاعرانه گاه دارای قدرت القایی بالایی هستند به نحوی که وقتی کلمه خون را در رثاها می‌خوانیم، تصاویری عمده و برجسته که برای ما مجسم می‌شود، صحنه‌های کارزار، قیام و ایثار امام حسین (ع) و یارانش می‌باشد، برای مثال اشعار زیر می‌تواند اغلب موارد یاد شده را نشان دهد:

يَا جَدُّ ذَا صَدْرِ الْحُسَيْنِ مُرَضُّضٌ وَالْخَيْلُ تَنْزِلُ مِنْ عَلَاهُ وَتَصْعَدُ
يَا جَدُّ قَدْ مُنِعُوا الْفُرَاتَ وَقْتَلُوا عَطَشًا فَكَانَ مِنَ الدِّمَاءِ الْمَوْرِدُ
يَا جَدُّ حَوْلِي مِنْ يَتَامَى إِخْوَتِي مِنَ الذُّلِّ قَدْ سُلِبُوا الْقِتَاعَ وَجُرِّدُوا
يَا جَدُّ إِنَّ الْكَلْبَ يَشْرَبُ آمِنًا رِيًّا وَنَحْنُ عَنِ الْفُرَاتِ نُطْرِدُ

(کرباسی، همان: ص ۷۲)

ای جدم، این سینه حسین است که زیر سمها کوبیده می‌شود و اسبها بر بالای آن می‌روند و از آن فرود می‌آیند.

ای جدم، آنان از آب فرات منع شده و تشنه لبان کشته شدند و آبشخور آنان خون گردید.
ای جدم، در اطراف من یتیمان برادرانم با ذلت و خواری حضور دارند که روپوش از سر آنان گرفته شد و سرهای شان برهنه گردید.

ای جدم سگها (نیروهای ابن زیاد) با آرامش از آب می‌نوشند و سیراب می‌شوند در حالی که ما از آب و فرات رانده می‌شویم.

هم چنین تشبیهات فراوان، آرایه‌های بدیعی، تضمینها، تلمیحات و تصاویر بر زیبایی سروده‌ها افزوده و از یک سو نشانگر آن است که شاعر با استفاده از مجموعه این تصاویر و آگاهی از فرهنگ آیینی که

ریشه در عشق راستین او به اهل بیت (ع) دارد، مخاطب را به اصل قضیه رهنمون می‌سازد و از سوی دیگر در رثاها، تلاشی مضاعف برای ایجاد تصاویر تراژدی گونه وجود دارد، به گونه‌ای که تجسم این تصاویر، روح و عواطف خواننده را به جوشش و غلیان در می‌آورد.

۵-۵: مضمون

مراثی حسینی از حیث درون مایه و محتوا به دو دسته مشخص تقسیم می‌شوند، دسته اول که در آن شاعران با پرداختن به جنبه‌های تاریخی، روحی و عاطفی ماجرا با سرایش سوزناک‌ترین مراثی ظهر عاشورا، عواطف خویش را مصروف مقتل نگاری منظوم کرده و خواننده را با دریای موجی از عواطف غلیان کرده و داغدار و مصیب زده باقی گذاشته‌اند. دسته دوم گروهی هستند که کاربردی‌تر، اجتماعی‌تر و حماسی‌تر عمل می‌کنند و با نگاهی منتقدانه، سوگوارانه و گریه‌آمیز به واقعه می‌پردازند.

با این توضیحات، شاعر شیعی به واسطه ذوق هنری خود مضامین بکر و بدیعی را آفرید. از جمله بیان گریه کائنات و تأثر آسمان و زمین در رثای حسینی است که شاعر بنابر حزن و اغراق شاعرانه، تمامی کائنات را در تأثر از حادثه کربلا و شهادت فرزندان رسول خدا (ص) با خود شریک و هم‌صدا می‌پندارد، مثل:

فَلَقَدْ بَكَتْهُ فِي السَّمَاءِ وَ مَلَائِكُ
 زُهْرٌ كِرَامٌ رَاكِعُونَ وَ سُجَّدُ
 وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ الْمُنِيرُ كِلَاهُمَا
 حَوْلَ النُّجُومِ تَبَاكِيًا وَ الْفَرْقَدُ

(شبر، همان: ص ۳۰۶ - ۳۰۷)

به تحقیق در آسمان، فرشتگان خوش سیما و بزرگوار و رکوع و سجده کننده، بر او گریستند. خورشید و ماه درخشان و ستاره فرقد نیز در غم او گریان شدند.

در این ابیات شاعر با آوردن حسن تعلیل که نشان از گریه کائنات، دارد بر آن است تا اهمیت این گریه و اشک ریختن را در سوگ شهادت فرزندان رسول خدا بیان نماید. یکی از مضامین دیگر، دعای خیر برای شهیدان کربلا و طلب نزول رحمت بر قبرهایشان است. شاعر ضمن درود بر قبر امام و شهیدان برای ارواح آنان دعای خیر کرده و از خداوند می‌خواهد قبرشان را با باران رحمت خویش سیراب سازد. (همین مقاله: ص ۹)

۶-۵: محتوا

از لحاظ محتوا می‌توان به بیان مودت با فرزندان رسول خدا (ص) و کراهت از دشمنان اشاره نمود، که شاعر در رثا، عشق خود را به آن خاندان اظهار می‌دارد و خود را از پیروان آنان معرفی می‌نماید. از آن‌جا که این نوع موضع‌گیری با مخالفت خاندان عباسی مواجه می‌شود شاعر ضمن بیان آن مودت، پیکان هجمه شعریش را که با بیانی هجوآمیز همراه است، متوجه خاندان بنی امیه می‌کند، زیرا می‌داند عباسیان با آنان رابطه خوبی ندارند.

با وجود این، برخی از شاعران از بیان حقانیت و ستمهای عباسیان نسبت به خاندان پیامبر(ص) هیچ ابایی نداشتند و به صراحت به فجایع آنان نسبت به اهل بیت(ع) اشاره می‌کردند (کرباسی، همان: ص ۱۴۱) در این مورد می‌توان به شعر عبدالله بن رابیه الطوری اشاره کرد:

تَاللّٰهِ اِنْ كَانَتْ اُمِّيَّةٌ قَدْ اَتَتْ
 قَتَلَ اِبْنَ بِنْتِ نَبِيِّهَا مَظْلُومًا
 فَلَقَدْ اَتَاهُ بَنُو اَبِيهِ بِمِثْلِهِ
 فَعَدَا لَعْمَرُكَ قَبْرَهُ مَهْدُومًا

(صنعانی، ۱۹۹۹ م: ج ۲، ص ۸۸)

سوگند به خدا اگر بنی امیه پسر دختر پیامبر را مظلومانه به شهادت رساندند. یقیناً بنی عباس به مثل آنان رفتار کردند و به جانت سوگند که قبرش را ویران نمودند. دیک الجن نیز در بیان مظلومی که بر خاندان پیامبر(ص) وارد شد، رثای خویش را با نفرین قاتلان آنان پی می‌گیرد و با زبانی تند آنان را مورد شدیدترین انتقادات قرار می‌دهد. او به دلیل این فجایع و ستمها نسبت به اهل بیت(ع)، اندوهی فراوان در خویش احساس می‌کند، از این رو یکی از صادق‌ترین رثاها را با زبانی که چاشنی هجو را با خود همراه دارد، می‌سراید و از رنج خاندان پیامبر(ص) و حق آنان سخن می‌گوید:

لَا دَرَّ دَرُّ الْأَعَادِي عِنْدَمَا وَتَرُوا
 وَ دَرَّ دَرَكِ مَا تَحْوِينَ يَا حُفَرُ
 لَمَّا رَأَوْا طُرُقَاتِ الصَّبْرِ مُعْرِضَةً
 إِلَى لِقَاءٍ وَ لُقْيَا رَحْمَةٍ صَبْرُوا
 قَالُوا لِأَنْفُسِهِمْ يَا حَبْنَا نَهْلُ
 مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ بَعْدَهُ صَدْرُ
 رُدُّوا هَنِيئًا مَرِيئًا آلَ فاطمة
 حَوْضَ الرَّدَى فَارْتَضُوا بِالْقَتْلِ وَاضْطَبْرُوا

(دیک الجن، همان: ص ۱۳۷)

کار دشمنان به نتیجه نرسد آن هنگام که مرتکب جنایت و ظلم شدند. ای قبرها باران نعمت بر کسانی که تو آنها را در خود جای داده ای، فراوان ببارد. آنها، وقتی راه های صبر را به سوی جنگ و ملاقات با خداوند و رحمت او دیدند بر آن مصیبتها صبر پیشه کردند.

آنان با خود گفتند: چه خوب آبخوری است که محمد و علی پس از او، از آن بیرون آمده‌اند. گفتند: ای خاندان فاطمه وارد آبخور مرگ شوید و آن بر شما گوارا باد، آنان نیز به کشته شدن و مرگ راضی شدند و در مقابل آن صبر پیشه کردند.

تبیین عمق واقعه کربلا و تشریح ابعاد آن یکی از مفاهیم رثای حسینی می‌باشد که شاعران به بازخوانی دوباره آن و شهادت امام(ع) پرداختند، چون امویان و عباسیان با تبلیغات کینه توزانه خود خاندان پاک پیامبر را در نظر مردم منفور جلوه دادند و خود را از نزدیکان پیامبر معرفی کردند تا جایی که پس از

پیروزی قیام عباسیان و استقرار حکومت ابوالعباس سفاح، ده تن از امرای شام نزد وی رفتند و همگی سوگند خوردند که ما تا زمان قتل حسین (ع) نمی دانستیم رسول خدا (ص) جز بنی امیه خویشاوندی دارد. (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۱م: ج ۷، ص ۱۵۹)

از این رو شاعران به بیان بسیاری از مسایل در رئای خود پرداختند تا عکس العملی در برابر تبلیغات عباسیان باشد:

وَمِمَّا شَجَا قَلْبِي وَ أَوْكَفَ عَيْرَتِي مَحَارِمُ مِنْ آلِ النَّبِيِّ اسْتَحِلَّتْ

(اصفهانی، همان: ج ۷، ص ۱۸۵)

یکی از چیزهایی که قلبم را اندوهگین کرده و اشکم را جاری ساخت این است که محارم خاندان پیامبر (ص) مباح شمرده شدند. او در این رثا، اندوه خود را تنها شدت حادثه کربلا نمی داند بلکه عامل اساسی آن را حرمت شکنی نسبت به فرزندان رسول خدا به شمار می آورد.

از بارزترین شاخصه های رئای حسینی در این دوره، پرداختن به مسأله بیان فضایل اهل بیت (ع) و هدایت گری آنان و احیای نام، یاد و کمالات آنان و افشای جنایات ظالمان نسبت به خاندان پیامبر (ص) می باشد. به همین جهت در آیینة شعر رئای حسینی و در رواق ادبیات شیعی، تصویری از پاکی ها، فضایل و مبارزات حق طلبانه و مظلومیت عترت و جلوه های نیکی و منزلت اهل بیت (ع) دیده می شود:

يَا عَيْنُ فِي كَرْبَلَاءَ مَقَابِرُ قَدْ تَرَكْنَ قَلْبِي مَقَابِرَ الْكَرْبِ

مَقَابِرُ تَحْتَهَا مَنَابِرُ مِنْ عِلْمٍ وَ حِلْمٍ وَ مَنْظَرٍ عَجَبِ

(دیک الجن، همان: ص ۸۶)

ای چشم در کربلا مقبره هایی وجود دارد که در دلم مقبره هایی از اندوه باقی گذاشتند. مقبره هایی که در زیر آن، منبرهایی از علم، بردباری و مناظر عجیبی قرار گرفته است. برخی از شاعران ضمن بیان غرض اصلی خود که همان اندوه باشد به هجو و بیان رذایل امویان و عباسیان و ستم آنان نسبت به فرزندان رسول خدا (ص) پرداختند و خیانت های امویان را نسبت به اسلام برشمردند.

بسیاری از رثاهای این دوره به برخی از حوادث خاص تاریخی در جریان شکل گیری واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) اشاره دارند. این مرثیه ها اغلب حوادثی را چون خیانت های امویان نسبت به خاندان پیامبر (ص) و کارشکنی و خیانت کوفیان در بیعت با امام و چگونگی شهادت یاران آن حضرت بازگو می کنند. اهمیت این رثاها با توجه به قرب زمانی آن با واقعه کربلا به عنوان منبع و دستمایه ای برای مقتل نویسی در دوره های بعد بسیار مشهود می باشد.

در خصوص بیان برخی از مسائل تاریخی می توان به اشعار قاسم بن یوسف الکاتب (۲۱۳ق) اشاره نمود:

كَتَبُوا إِلَيْكَ وَأَرْسَلُوا رَسُولًا
 تَتَرَى بِمَا وَعَدُوا مِنَ النَّصْرِ
 أَخْطَرُوا مَوَاتِقَهُمْ وَعَهْدَهُمْ
 بِاللَّهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْحَجْرِ
 لَا يَرْهَبُونَ عَوَاقِبَ الْخُتْرِ

(شبر، همان: ص ۳۳۲)

آنان برای تو نامه نوشتند و به سوی تو افرادی را پی در پی فرستادند و وعده یاری به تو دادند.
 آنان میان رکن کعبه و حجر اسماعیل با تو بیعت کردند و پیمان بستند.
 اما آنها به پیمانها و عهدهای خود خیانت کردند و از عواقب این خیانت نهراسیدند.

نتیجه گیری

بنابراین با توجه به اشعار موجود در قرن سوم و علی رغم وجود دستگاه حکومتی مستبدانه و سرکوب شدید پیروان اهل بیت (ع) و تبلیغات خصمانه علیه آنان، شاعرانی شجاع وجود داشتند که از عمق درون و در اثر عشق به اهل بیت (ع) نه به خاطر دریافت پاداش و صله، به سرودن اشعاری غنی و پر بار مبادرت ورزیدند که آن را به دلیل قرب زمانی با حوادث کربلا می توان یکی از غنی ترین منابع تاریخی و ادبی به شمار آورد.

از منظر تاریخی و محتوایی می توان در آن، رویدادهای تاریخی قبل از وقوع حادثه کربلا، روز واقعه و پس از آن و نیز رفتار امویان و عباسیان نسبت به شیعیان و اهل بیت (ع) و حقانیت امام حسین (ع) و خیانت‌های امویان و عباسیان در حق ایشان و تبلیغات زهر آگین و کینه توزانه آنان نسبت به خاندان پیامبر (ص)، بیان فضایل اهل بیت (ع) و کمالات و هدایت گریهای آنان و افشای جنایات ظالمان را مشاهده نمود.

از نظر ادبی رئای حسینی این دوره، دارای زبانی نرم و بی پیرایه با متداول ترین واژگان میباشد و در اوزان و بحرهای خاصی متوقف نشده، بلکه به مناسبت موضوع از بحرهای مختلف استفاده گردید.

شاعران حسینی در مرثیه‌های خود بر خلاف دیگر شاعران که غالباً از عاطفه غیر واقعی برخوردارند، دارای صداقت عاطفه می باشند که این عاطفه حکایت از حزن و اندوه عمیق آنان در شهادت امام (ع) و فرزندان او دارد، عاطفهای دینی که شاعر عواطف خود را با اعتقادات مذهبی و شیعی پیوند زده و شعر را جولانگاهی برای تجلی این عواطف ناب قرار داده است.

تخیل موجود در مرثیه‌ها، تخیلی سیال و ژرف میباشد که جزئی‌نگری از مهم ترین ویژگیهای آن است به نحوی که شاعر، گاه از دقیق ترین حوادث و اتفاقات در تصویرسازی مرثیه های خود کمک می گیرد و با این تخیل سیال و ژرف، ارتباط عمیقی با خواننده برقرار می نماید و او را تا آخر قصیده با خود همراه می کند.

اندیشه و جهان بینی شاعر در رئای حسینی این دوره، اندیشه خاص و با گرایش شیعی است هر چند که برخی از آنان چون ابن معتز عباسی شیعه نبودند اما در رئای این دوره، شاعر، خاندان اهل بیت (ع) را در مرکز می بیند و جز آنها و راهشان هیچکس و هیچ راهی را بر نمی تابد.

به طور کلی می توان گفت رثاهای حسینی قرن سوم دارای عاطفه صادقانه، آمیخته با مبانی اعتقادی که فضای غالب بر آن حزن و اندوه می باشد، در کنار تخیلی هنرمندانه و تصویرسازی شاعرانه با بار عاطفی عمیق و دارای قدرت القایی بالا، همراه با مضامین نو و درون مایه ابتکاری می باشد.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۹۶۱م)، شرح نهج البلاغه، دارالاحیاء للکتب العربیة، بیروت.
- ۲- ابن ابی السلمی، زهیر(۲۰۰۵م)، دیوان زهیر، اعداد حمدو طماس، دارالمعرفة، بیروت.
- ۳- ابن المنظور، محمد بن مکرم(۱۹۹۸م)، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۴- ابن ثابت، حسان(بی تا)، دیوان الاشعار، بیروت.
- ۵- ابن عبد ربہ، احمد بن محمد(۱۹۸۳م)، العقد الفريد، دارالکتب العربیة، بیروت.
- ۶- ابن معتز، ابوالعباس عبدالله، (بی تا)، دیوان الاشعار، بمنظرة و التزام عبدالباسط الاسنی، طبعة الاقبال، بیروت.
- ۷- اصفهانی، ابوالفرج، الاغانی (بی تا)، دارالکتب المصریة، قاهره.
- ۸- امین، محسن (۱۹۶۳م)، الدر النضید فی مرثی السبط الشہید، سنجد عام، دمشق.
- ۹- جوهری الفارابی، ابواسماعیل(۱۹۹۸م)، الصحاح، دارالفکر، بیروت.
- ۱۰- حمصی، دیک الجن (۲۰۰۴م)، دیوان، تحقیق مظهرالحجی، اتحادالکتاب العرب، دمشق.
- ۱۱- حوفی، احمدالمحمد(بی تا)، ادب السیاسة فی العصر الاموی، دارالقلم، بیروت.
- ۱۲- دعل(بی تا)، دیوان، دارالثقافة، بیروت.
- ۱۳- رابین، اسکتلن(۱۳۷۵ش)، حکایت شعر، ترجمه مهرانگیز اوحدی، نشر میترا، چاپ اول، تهران.
- ۱۴- سیاح احمد (۱۳۷۵ش)، المنجدالعربی (فرهنگ دانشگاهی)، انتشارات اسلام، چاپ سوم، تهران.
- ۱۵- شیر، جواد(۱۴۰۹م)، ادب الطف او شعراء الحسین (ع)، دارالمرتضی، بیروت.
- ۱۶- شوشتري، جعفر(۱۹۹۴م)، الخصائص الحسينية، دارالسرور، لبنان، بیروت.
- ۱۷- صدر، سیدحسین(۱۳۵۴ش)، تأسیس الشيعة لعلوم الاسلام، منشورات الاعلمی، تهران.
- ۱۸- صنعانی، ضیاءالدين(۱۹۹۹م)، نسمة السحر بذكر من تشيع و شعر، تحقیق کامل سلمان جبوری، دارالمورخ العربی، بیروت.
- ۱۹- ضیف، شوقی(۱۹۹۵م)، الرثاء، دار المعارف، قاهره.
- ۲۰- طبری، محمدبن جریر(۱۳۷۵ق)، تاریخ الامم و الملوك، دارالحدیث، بیروت.
- ۲۱- طریحی، فخرالدين (بی تا)، المنتخب فی جمع المرثی و الخطب، المطبعة الحیدریة، نجف.
- ۲۲- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۹۹۹م)، قاموس المحيط، دارالفکر، بیروت.
- ۲۳- کرباسی، محمد صادق(۱۹۹۶م)، دیوان القرن الثالث، دائرة المعارف الحسينية، لندن.
- ۲۴- مسعودی، علی بن الحسن(بی تا)، مروج الذهب، المكتبة الاسلامية، بیروت.
- ۲۵- ناصیف، امیل (بی تا)، اروع ما قبیل فی الرثاء، دارالجیل، بیروت.